

جایگاه توسعه آموزشی و اجتماعی در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه ج.ا. ایران

مجتبی کاظمی^۱، الهام کاظمی^۲

چکیده

سیاست جهانی در بدو ورود به هزاره سوم توجه بیشتری به ابعاد و مولفه‌های اجتماعی دارد. در همین راستا، اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران نظیر سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و برنامه‌های توسعه پنج‌ساله توجه بیشتری به مفاهیم توسعه اجتماعی و بهبود جایگاه آن داشته‌اند. هدف تحقیق حاضر «شناخت جایگاه توسعه اجتماعی در برنامه چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران» است. این پژوهش از نوع توصیفی و تحلیل محتوا است. جامعه آماری تحقیق متن سند برنامه چهارم و پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی سیاسی جمهوری اسلامی ایران ارائه شده در ۳۱ استان کشور می‌باشد. واحد مشاهده، ماده‌ها، تبصره‌ها و بندهای برنامه‌ها است که مضامین آنها مورد استنباط قرار می‌گیرد. در این پژوهش فرم‌های تحلیل محتوای در هفت مقوله است که از داده‌های مرتبط در متن برنامه‌ها شامل هفت طبقه اصلی و ۴۴ زیرطبقه به شرح عدالت اقتصادی (۴ مولفه)، عدالت اجتماعی (۴ مولفه)، سرمایه اجتماعی (۵ مولفه)، رفاه اجتماعی (۱۹ مولفه)، پایداری (۳ مولفه)، اخلاق توسعه اجتماعی (۴ مولفه)، امنیت اجتماعی (۵ مولفه) استخراج شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تعداد مولفه‌های توسعه اجتماعی در برنامه پنجم به میزان ۸ درصد نسبت به برنامه چهارم کاهش یافته است. بنابراین براساس یافته‌ها می‌توان بیان نمود در برنامه چهارم توجه بیشتری به مولفه‌های توسعه اجتماعی نسبت به برنامه پنجم شده است. بنابراین ابعاد و مولفه‌های سلامت و ثبات خانواده، وضعیت جوانان، باسواد جمعیت عمومی، ارتقای سلامت روانی، پیشگیری از اعتیاد، سرمایه اجتماعی در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه کشور با مقتضیات و نیازها، آسیب‌ها و ضرورت‌های جامعه ایران انطباق کافی نداشته است.

واژگان کلیدی: توسعه اجتماعی، برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه، ایران

^۱ دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه علامه طباطبایی mojtabakazemy@yahoo.com

^۲ کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

مقدمه

ترسیم دورنما و برنامه‌ریزی در حوزه‌های مختلف ضرورتی انکارناپذیر است که هر کشوری به فراخور هر کشوری با مسائل و مفاهیمی در عرصه نظری، عملی و تجارب بشری مواجه است که تشابه واقعی ندارد و بایستی برنامه‌ریزی لازم را در جهت توسعه در نظر گیرد. در این میان مباحث اجتماعی بیش از سایر حوزه‌ها نیاز به ابتکار، نظریه‌پردازی و الگوسازی عرصه‌های جدید اجتماعی است. همچنین جوامع از نظر میزان توسعه-یافتگی، حاوی درجات متفاوتی هستند؛ برخی جوامع و کشورها بنا به دلایل مختلف از آفرینش مکانیزم‌هایی برای مواجهه با این پیچیدگی‌های محیطی ناتوان هستند و در معرض نابودی و فروپاشی قرار دارند و برخی جوامع دیگر، در مواجهه با این پیچیدگی‌ها از سایرین موفق‌تر هستند و از درجات بالاتری از توسعه‌یافتگی برخوردارند (فاضلی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۶۰). اهمیت مسئله توسعه بعنوان یکی از مسائل مهم در حوزه‌های انسانی اجتماعی بدیهی می‌باشد و کشور ایران نیز همانند دیگر جوامع در حال توسعه در دهه‌های اخیر به دنبال دستیابی به توسعه بوده است. به لحاظ تاریخی نیز می‌توان گفت که روند توسعه در ایران از دوران قاجار، به ویژه از جنبش مشروطیت به این طرف، آغاز شده است (بابایی، ۱۳۸۹: ۱۱).

در این میان شاخص‌های توسعه اجتماعی از جمله شاخص‌هایی هستند که، به این منظور توسط بانک جهانی تعیین شده و از زیرشاخه‌های شاخص‌های توسعه جهانی این بانک می‌باشند. به این منظور هر دولت موظف است به منظور بهبود وضعیت توسعه اجتماعی، شاخص‌های مذکور را مورد بررسی قرار داده و به پیاده‌سازی آنها در راستای اهداف بلندمدت توسعه‌ای، می‌پردازد. بررسی توسعه اجتماعی در قانون اساسی کشور نشان داده است که هم‌راستا با سیاست جهانی در بدو ورود به هزاره سوم و توجه بیشتر به ابعاد و مولفه‌های اجتماعی، در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران مانند قانون اساسی، سند چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه پنج‌ساله توجه بیشتری به بعضی ابعاد و مولفه‌های توسعه اجتماعی صورت گرفت (جغتایی و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۰). همچنین توسعه اجتماعی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران که به مجموعه برنامه‌های میان‌مدتی گفته می‌شود که به صورت ۵ ساله و توسط دولت وقت تنظیم می‌شود و به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد (مجرد، ۱۳۹۴: ۸)، مورد توجه قرار گرفته است. چنانچه در قانون برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۵-۱۳۸۹) و قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴) مجلس شورای اسلامی شاهد وجود شاخص‌های توسعه اجتماعی هستیم.

بنابراین می‌توان بیان داشت، توسعه اجتماعی یکی از زمینه‌هایی است که با گسترش و ارتقای شاخص‌های آن در جامعه، نسبت به توسعه‌ای متوازن و برابر بین مناطق و افراد، در جهت رفاه و رضایت افراد از زندگی می‌توان حرکت نمود و در شرایط کنونی ایران که راهبرد استکبارستیزی را برگزیده و بیش از سایر ممالک نیازمند الگوهای توسعه است و رویکردهای خاص فرهنگی و اجتماعی انقلاب اسلامی که در قانون برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه مشتمل بر دستیابی به اهداف، چشم‌انداز و طی کردن فرایند پیشرفت و توسعه اجتماعی در قالب الگوی اسلامی-ایرانی تدوین شده؛ نیازمند شناخت بررسی شاخص‌های توسعه اجتماعی است. زیرا که در سطح ملی نیز، به‌رغم پیشرفت‌های صنعتی و اقتصادی در دهه‌های گذشته و همچنین پتانسیل‌های موجود در قوانین کلان‌کشوری و سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه کشور اجتماعی در امر توسعه اجتماعی شاهد تغییرات چندانی به نسبت دیگر حوزه‌ها بطور عینی نبوده‌ایم. و هنوز در فحوای ادبیات عملی سیاست‌های توسعه‌ای و همچنین متولیان اجتماعی، توسعه اجتماعی (کارکردها، مولفه‌ها و شاخص‌های مربوط به آن) تقریباً ناشناخته و آزمایش نشده است. لذا توجه بیشتر مسئولان و متولیان کشوری نسبت به این رکن اساسی توسعه پایدار ضرورت دارد (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۸). بنابراین شایسته است که باتوجه به ضرورت و اهمیت بحث توسعه اجتماعی و اجماع جهانی در این خصوص و جایگاه فعلی ایران در توسعه اجتماعی به استناد آمارهای فوق (علیرغم پیشگام بودن ایران در امر برنامه‌ریزی توسعه)، ضرورت بنیادین و غیرقابل چشم‌پوشی نگاه نقادانه به برنامه‌های گذشته و ارزیابی دقیق و اساسی آنها از ابعاد گوناگون ۱۱۳ جهت پیشگیری از مصرف مکرر و بی‌نتیجه و یا کم‌نتیجه منابع مشخص گردد. زیرا در هزاره سوم، «سرعت» در امر برنامه‌ریزی و دستیابی به اهداف تعیین شده از اهمیت ویژه برخوردار شده‌اند. و در بسیاری از موارد در بین کشورها شاهد آسیب مهمی تحت عنوان فقدان «مدیریت زمان» هستیم به صورتی که گرچه زمان، به صورت حسابی سپری می‌گردد لیکن فرصت‌ها به صورت تصاعدی حاصل شده و یا از دست می‌روند (جغتایی و دیگران، پیشین: ۶۱-۶۰). باتوجه به آنچه بیان شد، هدف اصلی مقاله حاضر شناخت جایگاه توسعه اجتماعی در برنامه چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران است و پرسش‌هایی که این مقاله در پی پاسخگویی به آنها است عبارتند از: توسعه اجتماعی در برنامه چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران در چه جایگاهی قرار دارد؟ و شاخص‌های عدالت اقتصادی، عدالت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، رفاه اجتماعی، پایداری، اخلاق توسعه اجتماعی و امنیت اجتماعی در برنامه چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟

۱- پیشینه تحقیق

بررسی پیشینه تحقیقات انجام شده ده سال گذشته در این زمینه نشان داده است که مطالعاتی مشابه مطالعه حاضر صورت پذیرفته است. قوتی سفید سنگی و همکاران (۱۳۹۶)، در تحقیق خود با عنوان «مطالعه بازتاب توسعه اجتماعی در قوانین برنامه‌های پنجگانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه دست یافته است که در بیشتر برنامه‌ها تأکید بر شاخص‌های رفاهی توسعه بوده است و شاخص‌های انسان‌گرایانه به صورت قابل توجهی، مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. همچنین ضعیف‌ترین برنامه ارزیابی شده، برنامه اول توسعه می‌باشد.

شکوری و تقی‌زاده اصل (۱۳۹۵)، در تحقیق خود با عنوان «مطالعه تأثیر اندازه دولت بر شاخص توسعه انسانی در طی سه دهه پس از انقلاب» به این نتیجه دست یافته است که رشد هزینه‌های مصرفی (جاری) در ایران نه تنها دارای تأثیر مطلوبی نبوده، بلکه در طی زمان اثر منفی آن بر این شاخص گذاشته است. به علاوه، دولت در ایران از الگوهای بودجه پیشنهادی سازمان ملل تبعیت نمی‌کند و ادعای دولت در باب توسعه و ارتقای کیفیت زندگی در حد شعار بوده است.

اعظم و مشتاقیان (۱۳۹۵)، در تحقیق خود با عنوان «بررسی موانع مشارکت زنان در فرایند توسعه اجتماعی» به این نتیجه دست یافته است که در برنامه‌های توسعه کشور، محدودیت در فرصت‌های اجتماعی (آموزشی، شغلی و گروهی) و فقدان وفاق استراتژیک نخبگان، مانع تکوین و گسترش شخصیت پیشرفته کارگزار توسعه در زنان است و در سطح کلان، ابعاد هنجاری و نمادی ساخت اجتماعی دچار اختلالاتی است که برنامه‌های توسعه در این را ذاتاً از نظر جنسیتی ناکارآمد می‌کند.

فاضلی و دیگران (۱۳۹۲)، در تحقیق خود با عنوان «توسعه اجتماعی، شاخص‌ها و جایگاه ایران در جهان» به ارائه گزارشی از وضعیت کنونی توسعه اجتماعی در ایران و وضعیت رتبه‌ای کشور با سایر کشورهای جهان و کشورهای شانزده‌گانه منطقه پرداختند و به این نتیجه رسیدند که جایگاه ایران چندان مناسب نیست و نیازمند تأملی جدی پیرامون چرایی این امر و چگونگی بهبود و تغییر آن است.

هزارجریبی و صفری (۱۳۹۲)، در تحقیق خود با عنوان «گفتمان عدالت در لوایح برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی» به این نتیجه رسیدند که با هژمونی گفتمان سازندگی بر فضای سیاسی و اجتماعی کشور، این گفتمان مفهومی از عدالت اجتماعی را بازنمایی نمود که بسیار متأثر از فضای سیاسی و اجتماعی کشور پس از جنگ و لزوم بازسازی خرابی‌های ناشی از آن و حرکت به سمت و سوی رشد اقتصادی به منظور تأمین منابع مالی مورد نیاز برای سازندگی بود. بر این اساس مفهومی اقتصادی با شاخصه اصلی رشد اقتصادی از سوی این دولت در بازنمایی از عدالت اجتماعی ارائه شد. اما گفتمان اصلاح‌طلبی با تأکید بر توسعه سیاسی، همراهی توسعه سیاسی با توسعه اقتصادی را در جهت تحقق عدالت اجتماعی با نشانه مرکزی کاهش فقر و

محرومیت مطرح نمود و اما آخرین گفتمان، موسوم به گفتمان اصول‌گرای عدالت‌محور، که با غیریت‌سازی خود با گفتمان‌های پیشین بر مبنای تعریف خاص از عدالت، اقدام به اجرای طرح تحول اقتصادی نمود. در این مرحله مفهوم عدالت، به معنای توزیع فرصت‌ها و امکانات بطور مساوی به همه افراد و همه مناطق کشور بگونه‌ای که کل کشور با هم و هماهنگ پیشرفت کنند، بود. دولت، در کنار هدفمندی یارانه‌ها، خصوصی‌سازی به شیوه‌های نوین یعنی پرداخت سهام عدالت را در دستور کار خود قرار داد.

امیدی (۱۳۹۱)، در تحقیق خود با عنوان «تحلیل برنامه‌های عمران و توسعه ایران از منظر مولفه‌های برنامه‌ریزی اجتماعی» به این نتیجه دست یافته است که متغیرهای زمینه‌ای محیط سیاست‌گذاری، تأثیر اساسی بر متغیرهای ماهیتی و ساختاری دارند. همچنین، برنامه‌ریزی در ایران به لحاظ روش و فرایند تدوین، اجتماعی نشده است و اهداف اجتماعی نیز یا بعنوان ابزار رشد اقتصادی و یا بعنوان ابزاری برای کاهش پیامدهای منفی ناشی از سیاست‌های مبتنی بر رشد اقتصادی مدنظر قرار داشته‌اند (Ibi.org).

غفاری و امیدی (۱۳۸۷)، در تحقیق خود با عنوان «کیفیت زندگی در برنامه‌های عمرانی و توسعه ایران» به این نتیجه رسیده‌اند که در هیچ‌کدام از برنامه‌ها، امور رفاهی و اجتماعی به سطح سیاست‌گذاری ارتقا نیافته‌اند و بیشتر از جایگاهی خدماتی برخوردار بوده‌اند. به مسائل اجتماعی از منظر اقتصادی نگاه شده و با تغییر دولت‌ها نوع پنداشت از مفاد برنامه و به تبع آن در سازوکارهای اجرایی و عملی برنامه‌ها شاهد تغییرات قابل توجهی می‌شویم که در مجموع محصول و نتایج برنامه را به لحاظ اثربخشی تحت تأثیر قرار داده است.

۲- روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع توصیفی با روش تحلیل محتوا است. تحلیل محتوا یک شیوه پژوهشی است که برای تشریح عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام‌های ارتباطی بکار می‌رود. به عبارت دیگر تحلیل محتوا نوعی بررسی اسناد و مدارک می‌باشد که ممکن است شخص پژوهشگر یا افراد دیگر به جمع‌آوری آن پرداخته باشند. ولی تحلیل و واری آن توسط شخص محقق انجام می‌گیرد که کلمات، عبارات، اسامی، بندها، تصاویر، موضوع‌ها یا هر جلوه ویژه‌ای که مورد نظر پژوهشگر است در برگیرنده می‌گردد. با وجود تنوع اسناد و مدارک، از روش علمی برای تحلیل آن استفاده می‌شود (رضوانی، ۱۳۸۹: ۱۴۰). در این مقاله سعی بر آن شده است که مطالعه اسنادی و مرور منابع، ابعاد و مولفه‌های اصلی توسعه اجتماعی استخراج و بر این اساس، اهداف کلان و مبانی نظری برنامه‌ها بررسی و همچنین متن اسناد برنامه‌های توسعه نیز تحلیل محتوا شود. مراحل ذیل در فرایند تحلیل محتوا مورد عمل قرار گرفت: (۱) تعریف و تحدید مجموعه اسناد (جامعه آماری)؛ (۲) بررسی ادبیات موضوع به منظور شناخت مقولات؛ (۳) تعریف واحدهای محتوا، شامل واحدهای ثبت و

شمارش، و واحد متن؛ ۴) مقوله‌بندی و جای‌دادن داده‌های محتوا در هر مقوله؛ ۵) رسیدگی به قابلیت اعتماد و اعتبار؛ ۶) تحلیل داده‌ها.

شیوه جمع‌آوری داده‌ها از نوع کتابخانه‌ای است که در جامعه آماری برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه کشور و اسناد پشتیبان آنها صورت پذیرفت. از آنجائیکه جامعه آماری دو برنامه توسعه است، بنابراین این پژوهش دارای دو واحد تحقیق است. نتایج به دست آمده از هر برنامه فقط مربوط به کلیت همان برنامه توسعه است. همچنین نتایج به دست آمده، در دو سطح تحلیل شده‌اند: ۱) مقایسه واحدهای تحلیل (دو برنامه) با یکدیگر و ۲) مقایسه اجزای هر واحد تحلیل با یکدیگر. با در نظر داشتن هدف مقاله، بالطبع نمونه آماری نیز دربرگیرنده کل جامعه آماری است و معیار توصیف، توسعه اجتماعی می‌باشد. واحد تحلیل در این مطالعه، متن برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه و اسناد پشتیبان آنها بطور جداگانه واحد تحلیل این مقاله است. واحد ضبط عبارت‌ها، گزاره‌ها، جمله‌ها و کلمات است که دربرگیرنده مضامین و مفاهیم مرتبط با مقوله‌ها و زیر مقوله‌های توسعه اجتماعی می‌باشد. به عبارت دیگر، واحد مشاهده، ماده‌ها، تبصره‌ها و بندهای برنامه‌ها بود که مضامین آنها مورد استنباط قرار گرفت. در برخی موارد یک جمله یا عبارت که ممکن است یک ماده یا تبصره (یا بخشی از یک ماده یا تبصره) باشد، درباره چند موضوع مطلب داشت و بدین منظور برحسب تعداد موضوع، کدهای متعدد به آن اختصاص یافت. روش کدگذاری، کدگذاری باز بوده به این ترتیب که در حین مطالعه متن اسناد، به هر پاراگرافی که محقق را به هدف مطالعه می‌رساند یک کد جداگانه داده شد.

۱۱۶

در ابتدا براساس مبانی نظری تحقیق، تعدادی پرسش اساسی طرح گردید. برای پاسخ به هر پرسش، یک دسته از مقوله‌ها ساخته شد و با استفاده از آنها داده‌های لازم از متن برنامه‌ها گردآوری گردید. از جهت استنباط مبانی نظری موجود در برنامه‌ها براساس رویکردهای معمول توسعه، با استفاده از مرور منابع، تلاش گردید تا حد امکان سیاست‌های اجتماعی رویکردهای مختلف توسعه‌ای استخراج شود و در قالب جدولی گردآوری گردد. با تطبیق این جدول با مبانی نظری و اهداف کلان برنامه‌های توسعه و با استفاده از تحلیل محتوای مضمونی رویکرد موردنظر هر هدف استنباط گردید. در مرحله دوم از روش تحلیل محتوای کمی جهت توصیف ابعاد و مولفه‌های توسعه اجتماعی موردنظر در هر برنامه و مقایسه آنها در روند پنج برنامه استفاده شده است. به منظور بررسی مولفه‌های اجتماعی در اسناد توسعه در ابتدا براساس مرور منابع موجود، جدولی جامع از کلیه ابعاد و مولفه‌ها تنظیم گردید که شامل هفت طبقه اصلی «طبقه عدالت (عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی)، سرمایه اجتماعی، رفاه اجتماعی، پایداری، اخلاق توسعه اجتماعی و امنیت اجتماعی» و ۴۴ زیرطبقه بود. جهت تحلیل محتوای مواد برنامه، چنانچه ماده‌ای به لحاظ موضوعی در دو یا چند زیرطبقه قابلیت انتخاب داشت، باتوجه به مواد قبل و بعد و همچنین چگونگی قرار گرفتن در سرفصل‌های اسناد طبقه‌بندی انجام می‌گرفت. باتوجه به این موضوع، طبقه‌های اصلی و فرعی در جلسات متعدد با حضور

متخصصین مورد تحقیق قرار گرفت و بارها اصلاح گردید تا به نتیجه نهایی حاصل گردید (همان، ۴۷). در نهایت شاخص‌ها و زیرمؤلفه‌های مورد بررسی در مقاله حاضر عبارتند از؛ عدالت اقتصادی: توزیع ثروت و درآمد در جامعه، بر خور داری و توزیع متناسب منابع ملی، تعدیل شکاف بین فقیر و غنی و تعدیل شکاف بین مناطق محروم و برخوردار؛ عدالت اجتماعی: برابری در دسترسی به امکانات آموزشی، برابری در دسترسی به خدمات بهداشتی و سلامت، دستیابی جامعه به اطلاعات و توجه به عدالت جنسیتی؛ سرمایه اجتماعی: سرمایه و اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، همبستگی و انسجام اجتماعی، توجه به همگرایی‌های قومی و نژادی و کاهش واگرایی مذهبی و دینی؛ رفاه اجتماعی: اشتغال، نرخ رشد جمعیت، مرگ‌ومیر کودکان، امید به زندگی، ارتقای سلامت (جسمی، روانی، اجتماعی)، وجود مراکز، خدمات و تسهیلات سلامت و بهداشت و روان، دسترسی به خدمات، مزایا و حمایت اجتماعی، تأمین اجتماعی و بیمه اجتماعی، توجه به وضعیت جوانان، توجه به وضعیت سالمندان، سلامت و ثبات خانواده، مسکن، تغذیه، بر خور داری از امکانات اوقات فراغت، ورزشی، تفریحی، باسواد جمعیت عمومی، ارتقای کمی و کیفی آموزش و پرورش، ارتقای آموزش فنی و حرفه‌ای و ارتقای کمی و کیفی آموزش عالی؛ پایداری: حفاظت از محیط زیست، آمایش سرزمین و بهره‌برداری بهینه از منابع؛ اخلاق توسعه اجتماعی: نظم اجتماعی، علم گستری و فناوری، شهروندی و ارتقای کار و بهره‌وری؛ امنیت اجتماعی: پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، جرائم، بزهکاری، امنیت اقتصادی، امنیت قضایی، امنیت عمومی و امنیت فردی (فاضلی و دیگران، پیشین: ۶۴).

۲-۱- روایی بخشی به کدگذاری‌ها

در رابطه با روایی بخشی به کدگذاری‌ها، با راهنمایی اساتید حوزه مدیریت، گروهی مستقل در قالب سه نفر از خبرگان حوزه تحقیق تحت عنوان داوران بیرونی مشخص شده و آموزش کدگذاری برنامه‌های توسعه در قالب دستورالعمل کدگذاری ارائه گردید تا داوران بیرونی بصورت مجزا برنامه‌های توسعه را کدگذاری نمایند. بعد از اتمام فرایند کدگذاری داوران بیرونی، میزان پایایی کدگذاری‌های محقق با کدگذاری داوران بیرونی از طریق فرمول کاپای کوهن^۱ محاسبه شده و ضریب پایایی ۷۸ درصد به دست آمد. بنابراین ضریب پایایی به دست آمده بالای ۷۰ درصد بوده و نشان دهنده میزان قابل قبول پایایی کدگذاری‌ها است. با توجه به ضریب بالای پایایی به دست آمده و توجه به برخی اختلافات در کدگذاری، توافق نهایی بر سر نسخه نهایی کدگذاری‌ها حاصل شد و روایی کدگذاری‌ها تأمین گردید (متمقی، ۱۳۹۶: ۷۱).

^۱ Kohen's Kappa

۲-۲- تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌های مقاله درخصوص جایگاه توسعه اجتماعی در برنامه چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران حاکی از آن است که در مجموع در کل اسناد برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی چهارم و پنجم ۸۹۸ مولفه اجتماعی (برنامه چهارم ۴۹۸ مولفه و برنامه پنجم ۴۰۰ مولفه) مورد توجه قرار گرفت. به عبارت دیگر تعداد مولفه‌های توسعه اجتماعی در برنامه پنجم به میزان تقریبی ۸ درصد نسبت به برنامه چهارم کاهش یافته است. شرح مولفه‌های مربوط به شاخص‌های یاد شده در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه به شرح جداول ۱ الی ۷ است که در ادامه ارائه گردیده است.

جدول (۱) مولفه‌های مربوط به عدالت اقتصادی در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه

مولفه مورد بررسی	برنامه چهارم توسعه	برنامه پنجم توسعه
توزیع ثروت و درآمد در جامعه	۱ مولفه	---
برخورداری و توزیع متناسب منابع ملی	۶ مولفه	۶ مولفه
تعدیل شکاف بین فقیر و غنی	۱۲ مولفه	۲ مولفه
تعدیل شکاف بین مناطق محروم و برخوردار	۷ مولفه	۲۳ مولفه

داده‌های جدول (۱) نشان می‌دهند که در برنامه چهارم ۲۶ مولفه و در برنامه پنجم ۳۱ مولفه به مولفه "عدالت اقتصادی" پرداخته‌اند. بیشترین توجه در برنامه پنجم به "تعدیل شکاف بین مناطق محروم و برخوردار" و کمترین توجه به زیرمولفه "توزیع ثروت و درآمد در جامعه" در برنامه‌های پنجم اشاره‌ای نشده است.

۱۱۸

جدول (۲) مولفه‌های مربوط به عدالت اجتماعی در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه

مولفه مورد بررسی	برنامه چهارم توسعه	برنامه پنجم توسعه
برابری در دسترسی به امکانات آموزشی	۶ مولفه	۳ مولفه
برابری در دسترسی به خدمات بهداشتی و سلامت	۵ مولفه	۴ مولفه
دستیابی جامعه به اطلاعات	۴ مولفه	۸ مولفه
توجه به عدالت جنسیتی	۸ مولفه	---

داده‌های جدول (۲) نشان می‌دهند که در برنامه در برنامه چهارم ۲۳ ماده و در برنامه پنجم ۱۵ ماده به زیر طبقه عدالت اجتماعی پرداخته‌اند. بیشترین توجه به زیرمولفه "دستیابی به اطلاعات" در برنامه پنجم و کمترین توجه به زیرمولفه "توجه به عدالت جنسیتی" که در برنامه پنجم به آن اشاره نشده است.

جدول ۳) مولفه‌های مربوط به سرمایه اجتماعی در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه

مولفه مورد بررسی	برنامه چهارم توسعه	برنامه پنجم توسعه
سرمایه و اعتماد اجتماعی	۵ مولفه	۱ مولفه
مشارکت اجتماعی	۳۵ مولفه	۱۴ مولفه
همبستگی و انسجام اجتماعی	۱۱ مولفه	---
توجه به همگرایی‌های قومی و نژادی	۳ مولفه	----
کاهش واگرایی مذهبی و دینی	۲ مولفه	۱ مولفه

داده‌های جدول (۳) نشان می‌دهند که در برنامه چهارم ۵۶ ماده و در برنامه پنجم ۱۶ ماده به مولفه سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. بیشترین توجه به زیرمولفه "مشارکت اجتماعی" در برنامه چهارم صورت گرفته است که تعداد ۳۵ ماده به این زیرمولفه اختصاص یافته است و کمترین توجه به زیرمولفه "همبستگی و انسجام اجتماعی" و "توجه به همگرایی‌های قومی و نژادی" است که در برنامه پنجم اشاره‌ای نشده است.

جدول ۴) مولفه‌های مربوط به رفاه اجتماعی در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه

مولفه مورد بررسی	برنامه چهارم توسعه	برنامه پنجم توسعه
اشتغال	۱۶ مولفه	۱۵ مولفه
نرخ رشد جمعیت	----	----
مرگ‌ومیر کودکان	----	---
امید به زندگی	----	----
ارتقای سلامت (جسمی، روانی، اجتماعی)	۱۸ مولفه	۱۱ مولفه
وجود مراکز، تسهیلات سلامت و بهداشت و روان	۷ مولفه	۸ مولفه
دسترسی به خدمات	۲۳ مولفه	۱۸ مولفه
مزایا و حمایت اجتماعی	۲۳ مولفه	۳۲ مولفه
تأمین اجتماعی و بیمه اجتماعی	۲۳ مولفه	۲۷ مولفه
توجه به وضعیت جوانان	۷ مولفه	۴ مولفه
توجه به وضعیت سالمندان	۱ مولفه	----
سلامت و ثبات خانواده	۲ مولفه	۳ مولفه
مسکن	۲۵ مولفه	۸ مولفه
تغذیه	۵ مولفه	۱۲ مولفه
برخورداری از امکانات اوقات فراغت، ورزشی، تفریحی	۲۰ مولفه	۴ مولفه
باسواد جمعیت عمومی	۱ مولفه	----
ارتقای کمی و کیفی آموزش و پرورش	۱۱ مولفه	۲۱ مولفه
ارتقای آموزش فنی و حرفه‌ای	۱۲ مولفه	۸ مولفه
ارتقای کمی و کیفی آموزش عالی	۱۵ مولفه	۲۶ مولفه

داده‌های جدول (۴) مربوط به مولفه رفاه اجتماعی نشان می‌دهد که در برنامه چهارم ۲۱۲ ماده و در برنامه پنجم ۲۰۰ ماده به مولفه رفاه اجتماعی پرداخته‌اند. در بین زیرمولفه‌های رفاه اجتماعی در تمام برنامه‌ها به زیرمولفه "مزایا و حمایت اجتماعی" بیشترین توجه صورت گرفته است و زیرمولفه‌هایی که کمترین توجه در برنامه‌ریزی به آنها شده است "نرخ رشد جمعیت"، "مرگ‌ومیر کودکان"، "امید به زندگی" در برنامه چهارم و پنج اشاره‌ای نشده و "توجه به وضعیت سالمندان" و "باسوادی جمعیت عمومی" در برنامه پنجم اشاره‌ای نشده است.

جدول (۵) مولفه‌های مربوط به پایداری در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه

مولفه مورد بررسی	برنامه چهارم توسعه	برنامه پنجم توسعه
حفاظت از محیط‌زیست	۳۹ مولفه	۲۷ مولفه
آمایش سرزمین	۲۳ مولفه	۱۴ مولفه
بهره‌برداری بهینه از منابع	۳۷ مولفه	۴۶ مولفه

داده‌های جدول (۵) مربوط به طبقه پایداری نشان می‌دهد که در برنامه چهارم ۹۹ ماده و در برنامه پنجم ۸۷ ماده به زیر طبقه پایداری پرداخته‌اند. بیشترین توجه به زیرمولفه "بهره‌برداری از منابع (فیزیکی، مالی، انسانی)" در برنامه پنجم صورت گرفته است و کمترین توجه به زیرمولفه "آمایش سرزمین" در برنامه پنجم شده است. ۱۲۰

جدول (۶) مولفه‌های مربوط به اخلاق توسعه اجتماعی در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه

مولفه مورد بررسی	برنامه چهارم توسعه	برنامه پنجم توسعه
نظم اجتماعی	۳ مولفه	----
علم گستری و فناوری	۲۶ مولفه	۲۰ مولفه
شهروندی	۱۹ مولفه	۵ مولفه
ارتقای کار و بهره‌وری	۱۰ مولفه	۱۰ مولفه

داده‌های جدول (۶) مربوط به طبقه اخلاق توسعه اجتماعی نشان می‌دهد که در برنامه چهارم ۵۸ ماده و در برنامه پنجم ۳۵ ماده به زیر طبقه اخلاق توسعه اجتماعی پرداخته‌اند. بیشترین توجه به زیرمولفه "علم گستری و فناوری" در برنامه چهارم و کمترین توجه به زیرمولفه "نظم اجتماعی" در برنامه‌های چهارم شده است.

جدول (۷) مولفه‌های مربوط به امنیت اجتماعی در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه

مولفه موردبررسی	برنامه چهارم توسعه	برنامه پنجم توسعه
پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، جرائم، بزهکاری	۱۶ مولفه	۶ مولفه
امنیت اقتصادی	۵ مولفه	۳ مولفه
امنیت قضایی	۲ مولفه	۱ مولفه
امنیت عمومی	۳ مولفه	۶ مولفه
امنیت فردی	۱ مولفه	----

داده‌های جدول (۷) مربوط به طبقه امنیت اجتماعی نشان می‌دهد که در برنامه چهارم ۲۶ ماده و در برنامه پنجم ۱۶ ماده به زیرطبقه امنیت اجتماعی پرداخته‌اند. بیشترین توجه به زیرمولفه "پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی" در برنامه چهارم شده است و کمترین توجه به زیرمولفه‌های "امنیت فردی" در برنامه‌های پنجم شده است.

بنابراین براساس یافته‌ها می‌توان بیان نمود در برنامه چهارم توجه بیشتری به مولفه‌های توسعه اجتماعی نسبت به برنامه پنجم شده است. نتایج تحقیق در خصوص شاخص‌های توسعه اجتماعی در دو برنامه نشان داد که:

(۱) در شاخص عدالت اقتصادی برنامه چهارم توسعه ۲۶ مورد و برنامه پنجم توسعه به ۳۱ مورد اشاره داشته است.

(۲) در شاخص عدالت اجتماعی برنامه چهارم توسعه ۲۳ مورد و برنامه پنجم توسعه به ۱۵ مورد اشاره داشته است.

(۳) در شاخص سرمایه اجتماعی برنامه چهارم توسعه ۵۶ مورد و برنامه پنجم توسعه به ۱۶ مورد اشاره داشته است.

(۴) در شاخص رفاه اجتماعی برنامه چهارم توسعه ۲۱۰ مورد و برنامه پنجم توسعه به ۲۰۰ مورد اشاره داشته است.

(۵) در شاخص پایداری برنامه چهارم توسعه ۹۹ مورد و برنامه پنجم توسعه به ۸۷ مورد اشاره داشته است.

(۶) در شاخص اخلاق توسعه اجتماعی برنامه چهارم توسعه ۵۸ مورد و برنامه پنجم توسعه به ۳۵ مورد اشاره داشته است.

(۷) در شاخص امنیت اجتماعی برنامه چهارم توسعه ۲۶ مورد و برنامه پنجم توسعه به ۱۶ مورد اشاره داشته است.

۳- یافته‌ها

نتایج درخصوص شاخص عدالت اقتصادی در برنامه چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران نشان داد که در بعد عدالت اقتصادی و توزیع عادلانه درآمدها و رفع شکاف، برنامه‌های چهارم به این مولفه‌ها توجه کمتری داشته است. در برنامه پنجم علی‌رغم عدالت‌محور بودن به نحوه توزیع ثروت و درآمد اشاره‌ای نشده و تعدیل شکاف فقیر و غنی نیز فقط دو مولفه را به خود اختصاص داده است. در این خصوص مرکز آمار ایران (۱۳۹۲) نیز بر این امر تأکید داشته است که ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان به لحاظ نابرابری در وضعیت قابل قبولی قرار دارد. ضریب جینی شاخصی اقتصادی برای محاسبه توزیع ثروت یک کشور است و بعنوان شاخصی از بالا بودن اختلاف طبقاتی و نابرابری درآمدی در نظر گرفته می‌شود، عدد پایین‌تر ضریب جینی نشان از نابرابری کمتر دارد. برای جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۶۳ الی ۱۳۸۹ نوسان این شاخص ناچیز بوده و عدد آن در حدود ۰,۴ بوده است و در سال ۱۳۸۹ این شاخص به عدد ۰,۳۸ کاهش پیدا کرد روند کاهش ضریب جینی تا سال ۹۲ ادامه داشت و به ۰,۳۶ رسید. ایران در این سال رتبه ۶۹ از میان ۱۸۸ کشور جهان و در رده کشورهای با نابرابری کم بوده است.

نتایج درخصوص شاخص عدالت اجتماعی در برنامه چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران نشان داد که برنامه‌ریزان توسعه برنامه پنجم رویکرد نظری برنامه‌های توسعه را اجرای سیاست‌های انگیزشی و حمایتی دولت از بخش‌های غیردولتی (استقرار الگوی توسعه اسلامی، ایرانی) بیان داشتند. در بعد عدالت اجتماعی، دو مولفه برابری در دسترسی به امکانات آموزشی و عدالت جنسیتی که روند رو به رشدی در برنامه چهارم داشته‌اند، در برنامه پنجم یا مورد کم‌توجهی واقع شده‌اند (دسترسی به امکانات آموزشی) و یا کاملاً نادیده گرفته شده‌اند (عدالت جنسیتی). این در حالیست که در بحث عدالت اجتماعی، یکی از مهمترین مولفه‌ها در جهان، برابری جنسیتی است. ایران در این شاخص، در گزارش رتبه‌بندی گزارش مجمع جهانی اقتصاد، در سال ۲۰۱۵ رتبه ۱۴۱ را از بین ۱۴۵ کشور کسب کرده است. بهترین رتبه زنان مربوط به بعد "سلامت زنان" ۹۹ و پایین‌ترین رتبه مربوط به "برابری درآمدی" و "مشارکت زنان در بازار کار" و به ترتیب ۱۴۳ و ۱۴۱ بوده است. این رتبه در سال ۲۰۰۶ از بین ۱۱۵ کشور برای ایران ۱۰۸ و در سال ۲۰۱۰ از بین ۱۳۴ کشور برای ایران ۱۲۳ بوده است (گزارش شکاف جنسیتی، ۲۰۱۵). یافته‌های این سوال با یافته‌های فاضلی، فتاحی و زنجان (۱۳۹۲)، همسو است که جایگاه ایران چندان مناسب نیست و نیازمند تأملی جدی پیرامون چرایی این امر و چگونگی بهبود و تغییر آن است.

نتایج درخصوص شاخص سرمایه اجتماعی در برنامه چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران نشان داد که «مشارکت اجتماعی» در هر دو برنامه مورد توجه بوده است اما «همبستگی اجتماعی» و «توجه به همگرایی‌های قومی و نژادی» در برنامه پنجم هیچ جایگاهی نداشته است. هرچند این بعد از توسعه اجتماعی،

از فراموش‌شدگان اصلی برنامه‌های توسعه ایران هستند اما یافته‌های این تحقیق نشان از کم‌توجهی کامل برنامه‌ریزان به این بعد و مولفه‌های آن دارد. در بعد سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی که بیشتر از سایر مولفه‌ها مورد توجه قرار گرفته است، بیشتر به مواردی مانند فعال‌سازی بخش خصوصی و تعاونی در فرایند تمرکززدایی از فعالیت‌های دولت پرداخته است تا اینکه زمینه مشارکت گروه‌های سنی، جنسی، قومی، مذهبی را فراهم نماید. اعتماد اجتماعی فقط در برنامه چهارم اشاره شده است. مولفه‌های مهمی مانند همبستگی و انسجام بین اقلیت‌های قومی و نژادی و همچنین کاهش واگرایی مذهبی که با توجه به شرایط ایران (تنوع قومی، نژادی، مذهبی) اهمیت ویژه‌ای دارند و از حساسیت خاصی برخوردار هستند، جزء در برنامه چهارم در برنامه پنجم دیده نشده است. این ضعف در سیاست‌گذاری، در رتبه‌بندی سالانه موسسه لگاتوم نیز خود را نشان داده است، با وجودی که این رتبه‌بندی از سال ۲۰۱۰ انجام شده است، وضعیت کشور جمهوری اسلامی ایران قابل‌توجه است. در این رتبه‌بندی، شاخص سرمایه اجتماعی جزء هشت شاخص اصلی هستند که از اولین سال رتبه‌بندی تاکنون، پایین‌ترین رتبه‌های جمهوری اسلامی ایران بوده است (سال ۲۰۱۰ رتبه ۹۹ بین ۱۱۰ کشور در شاخص امنیت و رتبه ۱۰۶ از ۱۱۰ کشور در شاخص سرمایه اجتماعی و سال ۲۰۱۵ رتبه ۱۲۰ میان ۱۴۲ کشور در شاخص امنیت و رتبه ۱۱۵ از ۱۴۲ کشور در شاخص سرمایه اجتماعی) (لگاتوم، ۲۰۱۰).

نتایج در خصوص شاخص رفاه اجتماعی در برنامه چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارد ۱۲۳ که در خصوص مولفه‌های اشتغال، سیاست‌های جمعیتی، سلامت، دسترسی به خدمات زیربنایی، حمایت اجتماعی-تأمین اجتماعی، توجه به جوانان، توجه به وضعیت سالمندان، خانواده و آموزش سیاست‌گذاری ضعیفی مشاهده شد و بررسی روند تغییرات آن در کشور ضروری به نظر می‌رسد (غفاری و امید، ۱۳۸۷: ۲۷). نتایج در خصوص شاخص پایداری در برنامه چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارد که پایداری شامل سه مولفه حفاظت از محیط‌زیست، آمایش سرزمین، بهره‌برداری بهینه از منابع به صورت یکسانی در برنامه توسعه چهارم و پنجم مورد توجه فراوانی بوده است. و بعد از بعد رفاه اجتماعی بیشترین سهم را از بخش توسعه اجتماعی برنامه‌ها به خود اختصاص داده است، این توجه در راستای پایداری توسعه قابل‌توجه است. ایران در شاخص عملکرد محیط‌زیست که موسوم به EPI است و بین ۱۸۰ کشور جهان بر مبنای هشت عملکرد و دو بعد سیاست‌گذاری کلی (حفاظت از سلامت انسان‌ها از مضرات محیطی، حفاظت اکوسیستم) رتبه‌بندی می‌شود نمره ۶۶،۳۲ از صد را در سال ۲۰۱۶ دریافت کرده است. و در جایگاه ۱۰۵ قرار گرفت. نمره ایران در چهار سال گذشته (۲۰۱۲) ۵۱ از صد بوده است و علیرغم این افزایش نمره در رتبه‌بندی کشورها ۲۲ رتبه افت جایگاه داشته که بنا به گزارش خود این موسسه علت آن را نه در عملکرد ضعیف ایران،

بلکه در عملکرد درخشان همتایان ایران باید دانست. در منطقه خاورمیانه و آفریقای شمالی، ایران رتبه ۱۳ را دارد. در حفاظت از محیط‌زیست ایران از سال ۲۰۰۶ تاکنون ۱۵,۴۶ درصد رشد نمره داشته ولی اردن ۳۰,۰۹ درصد، قطر ۳۰,۰۵ درصد و لبنان ۳۵,۲۲ درصد رشد نمره داشته است. قابل ذکر است در شاخص فوق بهترین عملکرد ایران مربوط به منابع آبی بوده است (شاخص عملکرد محیط‌زیست، ۲۰۱۶). رویکرد تلفیقی رویکرد بیانیه کپنهاگ که توسعه اجتماعی و حفظ محیط‌زیست در رابط متقابل با یکدیگر بوده و چهارچوب توسعه پایدار را تشکیل می‌دهند که هدف آن ارتقای کیفیت زندگی برای همه آحاد بشر است (رضوانی، پیشین: ۸۴). نتایج درخصوص شاخص اخلاق توسعه اجتماعی در برنامه چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارد که مولفه‌های اخلاق توسعه اجتماعی سیاست‌گذاری در پذیرش فرهنگ توسعه از سوی دولت و مردم محسوب می‌شود. از بین چهار مولفه در نظر گرفته شده برای این تحقیق، نظم اجتماعی و حقوق شهروندی کمترین مورد را به خود اختصاص داده‌اند و ارتقای کار و بهره‌وری و علم گستری و فناوری در همه برنامه‌های توسعه مورد توجه بوده‌اند و با سیاست‌های تقریباً واحدی (ارتقای نظام تحقیقات علمی، تقویت ارتباط دانشگاه‌ها با بخش‌های تحقیقاتی، حمایت از نخبگان علمی، افزایش سهم تحقیق و پژوهش از تولید ناخالص ملی) به ارتقای این مولفه‌ها پرداخته‌اند. البته سیاست‌های در راستای علم گستری و فناوری موثر بوده است. براساس آخرین آمار تولیدات نمایه شده در پایگاه اسکوپوس محققان ایرانی در پایان سال ۲۰۱۵ در بین ۱۴۰ کشور جهان در جایگاه ۱۵ قرار گرفته‌اند.

۱۲۴

نتایج درخصوص شاخص امنیت اجتماعی در برنامه چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارد که برنامه‌ریزان کم‌توجهی زیادی به این بعد و مولفه‌های آن دارد. این ضعف در سیاست‌گذاری، در رتبه‌بندی سالانه موسسه لگاتوم نیز خود را نشان داده است، با وجودی که این رتبه‌بندی از سال ۲۰۱۰ انجام شده است، وضعیت کشور جمهوری اسلامی ایران قابل‌توجه است. در این رتبه‌بندی، شاخص امنیت جزء هشت شاخص اصلی هستند که همانند سرمایه اجتماعی از اولین سال رتبه‌بندی تاکنون، پایین‌ترین رتبه‌های جمهوری اسلامی ایران بوده است (سال ۲۰۱۰ رتبه ۹۹ بین ۱۱۰ کشور در شاخص امنیت و رتبه ۱۰۶ از ۱۱۰ کشور در شاخص سرمایه اجتماعی و سال ۲۰۱۵ رتبه ۱۲۰ میان ۱۴۲ کشور در شاخص امنیت و رتبه ۱۱۵ از ۱۴۲ کشور در شاخص سرمایه اجتماعی) (لگاتوم، ۲۰۱۵). نتیجه این یافته با یافته‌های حسینی (۱۳۸۴)، همسو می‌باشد (اصغری‌پور و همکاران (۱۳۹۳) نیز بیان داشته‌اند که طبق رویکرد ساختارگرا این رویکرد فرایند ایجاد دگرگونی‌های بنیادی در ساختارها و روابط اجتماعی با انگیزه اهداف «ادغام اجتماعی»، «انسجام اجتماعی» و «پاسخگو کردن کارگزاران»، امکانات و سازمان‌های صاحب قدرت توسعه اجتماعی است.

بحث و نتیجه‌گیری

مبانی نظری هر برنامه توسعه برگرفته از ایدئولوژی خاصی است که جنبه توصیفی و تجویزی دارد و واقعیت اجتماعی را توصیف و راه‌هایی برای تغییر آن پیشنهاد می‌کند. دولت‌ها هنگام تدوین سیاست‌های خود اغلب از چارچوب ایدئولوژیکی یا رویکردی خاص پیروی می‌کنند این ایدئولوژی‌ها در طول زمان ثابت نیستند و موفقیت یا شکست‌های طرح‌های دولت و گاهی شرایط خارجی منجر به تغییراتی در سیاست‌گذاری می‌شود. با بررسی اهداف کلان برنامه‌های توسعه، مشخص می‌شود که اهداف "اجتماعی" موردنظر هر برنامه با رویکردهای توسعه اقتصادی لزوماً همخوانی و هماهنگی ندارند. که با یافته‌های هزارجریبی و صفری (۱۳۹۲) همسو است. در برنامه چهارم توسعه این ناسازگاری بین ابعاد مختلف توسعه و همچنین در درون خود اهداف توسعه اجتماعی کاهش محسوسی یافته است و مبانی نظری و اولویت‌های موجود هماهنگی لازم را ندارند شاید علت این امر این باشد که برنامه چهارم توسعه با مبانی نظری روشنی تدوین شده است و تلاش نموده با استفاده از رویکرد توسعه پایدار اهداف اجتماعی خود را حول مشارکت اجتماعی، ارتقای سرمایه اجتماعی، حفظ منابع و محیط‌زیست و توجه به برابری جنسیتی و ارتقای جایگاه زنان و احیای حقوق شهروندی برنامه‌ریزی نماید. بنابراین تحقیق حاضر نشان داد در برنامه پنجم توسعه، نه تنها این برنامه واجد مبانی نظری مبتنی بر مدل‌های رایج نمی‌باشد (و حتی از یک برداشت نظری اختصاصی نیز برخوردار نبوده است) بلکه اهداف کلان ذکر شده برنامه از سایر برنامه‌ها ناچیزتر است. و دست‌اندرکاران طراحی برنامه پنجم سعی در ۱۲۵ ترسیم الگوی بومی اسلامی ایرانی داشته‌اند در حالیکه چارچوب نظری مشخصی برای این الگو - طراحی نشده بود و همچنین اهداف در اولویت برنامه، نیز نامشخص می‌باشد. در رویکرد کارکردگرایی توسعه اجتماعی به معنای بسط و تحکیم اجتماع جامعه‌ای است که یکی از حوزه‌های چهارگانه حیات اجتماعی انسان در هر جامعه است و هدف توسعه اجتماعی رسیدن به نقطه مطلوب است که توسط بعد هنجاری توسعه اجتماعی مشخص می‌شود. این نتیجه تأییدی بر نتیجه تحقیقات اصغرپور و همکاران (۱۳۹۳) می‌باشد. براساس یافته‌ها، می‌توان ادعا کرد مهمترین ابعاد موردتوجه در اسناد برنامه به ترتیب اولویت «رفاه اجتماعی، پایداری، عدالت اجتماعی، اخلاق توسعه اجتماعی، سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی» است. بنابراین باید گفت ابعاد و مولفه‌های «سلامت و ثبات خانواده، وضعیت جوانان، باسوادی جمعیت عمومی، ارتقای سلامت روانی، پیشگیری از اعتیاد، سرمایه اجتماعی» در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه کشور با مقتضیات و نیازها، آسیب‌ها و ضرورت‌های جامعه ایران انطباق کافی نداشته است. از سوی دیگر، نتایج تحقیق نشان داد که توسعه اجتماعی در برنامه چهارم نسبت به برنامه پنجم جایگاه بالاتری را به خود اختصاص داده است. همچنین در برنامه پنجم به مولفه‌های انسانی توجه کمتری شده است. این در حالیست که براساس سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری

اسلامی (۱۳۸۴)، ایران تا سال ۱۴۰۴ هجری شمسی باید کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری، برخوردار از سلامت، رفاه، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد به دور از فقر، فساد و تبعیض و بهره‌مند از محیط‌زیست مطلوب در سطح منطقه باشد. علیرغم توجه نسبتاً جامع به مولفه‌های توسعه اجتماعی در اسناد بالادستی، کشور ایران هنوز در جایگاه مناسب بین‌المللی و منطقه‌ای قرار ندارد که این امر در تحقیق جغتایی و دیگران (۱۳۹۵: ۶۰) نیز مورد تأیید است. بنابراین بررسی ادبیات نظری حاکی از آن است که برنامه‌ریزی توسعه در کشورهای توفیق یافته در گام‌های ابتدایی عموماً کمی‌نگر و سنجش‌پذیر بوده‌اند. علاوه بر این در کنار تنظیم برنامه، مکانیزم‌های شفاف و مشخصی برای ایجاد امکان نظارت و ارزیابی دستگاه‌های نظارتی نیز در کنار برنامه توسعه گنجانده شده است. همچنین در این کشورها، در برنامه‌ریزی توسعه معمولاً پس از رسیدن به سطوح بالای توسعه، قالب برنامه‌ریزی خود را به برنامه‌های چشم‌اندازگونه و متن راهنما برای اقدام سیاسی کوتاه‌مدت و میان‌مدت تبدیل کرده‌اند. بررسی اسناد راهبردی کشورهای توفیق یافته در توسعه نشان می‌دهد یکی از نقاط مشترک برنامه‌ریزی توسعه در این کشورها، «مساله محور بودن» برنامه توسعه است. به این ترتیب که هدف برنامه‌ریزی در درجه اول تعیین موانع اصلی توسعه و حل این مسائل بعنوان اولویت‌های اساسی توسعه است. چنین اقدامی علاوه بر تعیین نقشه راه، با تعیین نقاط تمرکز مسیر توسعه، چالش تخصیص منابع در شرایط محدودیت را که یکی از مهمترین موانع دستیابی برنامه توسعه به اهداف ترسیم شده در کشور بوده است، تا حدود زیادی مرتفع می‌کند.

۱۲۶

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- آزاد ارمکی، تقی و دیگران (۱۳۹۱)، «بررسی و شناسایی کاربردی توسعه اجتماعی (با استفاده از تکنیک دلفی)»، **مجله مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی**، ش ۱.
- ۲- اعظم آزاده، منصوره و مشتاقیان، مرضیه (۱۳۹۵)، «موانع مشارکت زنان در فرایند توسعه اجتماعی»، **مجله مسائل اجتماعی ایران**، ش ۷.
- ۳- امید، رضا (۱۳۹۱)، «تحلیل برنامه‌های عمران و توسعه ایران از منظر مولفه‌های برنامه‌ریزی اجتماعی»، **مجله برنامه‌ریزی و بودجه**، ش ۱۷.
- ۴- بابایی فرد، اسداله (۱۳۸۹)، «توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در ایران»، **مجله رفاه اجتماعی**، ش ۱۰.
- ۵- جغتایی، فائزه و دیگران (۱۳۹۵)، «ابعاد و مولفه‌های توسعه اجتماعی در برنامه‌های توسعه»، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، س ۱۶، ش ۶.
- ۶- رضوانی، روح‌اله (۱۳۸۹)، «تحلیل محتوا»، **مجله پژوهش**، ش ۲.

- ۷- شکوری، علی و تقی‌زاده اصل، زهرا (۱۳۹۵)، «مطالعه تأثیر اندازه دولت بر شاخص توسعه انسانی در طی سه دهه پس از انقلاب (۱۳۵۷-۱۳۸۷)»، **مجله مسائل اجتماعی ایران**، ش ۷.
- ۸- غفاری، غلامرضا و امیدی، رضا (۱۳۸۷)، «کیفیت زندگی در برنامه‌های عمرانی و توسعه ایران»، **مجله رفاه اجتماعی**، ش ۸.
- ۹- فاضلی، محمد و دیگران (۱۳۹۲)، «توسعه اجتماعی، شاخص‌ها و جایگاه ایران در جهان»، **فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی**، دوره ۲، ش ۲۹.
- ۱۰- قوتی سفیدسنگی، علی و دیگران (۱۳۹۶)، «بازتاب توسعه اجتماعی در قوانین برنامه‌های پنجگانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۴-۱۳۶۸»، **مجله توسعه اجتماعی**، ش ۱۲.
- ۱۱- متقی، سمیرا (۱۳۹۶)، «بررسی نقش توسعه اجتماعی بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی: کشورهای ایران و ترکیه)»، **مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، دوره ۳، ش ۹.
- ۱۲- مجرد، مریم (۱۳۹۴)، «بررسی و ارزیابی جایگاه زنان در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی برنامه‌های اول تا پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۶۸)»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی**، دانشگاه رازی کرمانشاه.
- ۱۳- هزارجریبی، جعفر و صفری‌شالی، رضا (۱۳۹۲)، «گفتمان عدالت در لوایح برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی (با تأکید بر کاهش فقر و محرومیت)»، **فصلنامه علوم اجتماعی**، دوره ۱.